**انترناسیونال ۶۲۲**

**اصغر کریمی**

**درسی مهم از مبارزات مردم عراق**

مبارزات انقلابی و عظیم مردم عراق تا همینجا درسهای قابل توجهی دارد. یکی از مهمترین آنها مساله رهبری و حزب سیاسی برای رهبری این اعتراضات است. مردم در ابعاد میلیونی در حال اعتراضند جمعه ها در سراسر عراق تظاهرات میشود و میلیون ها نفر خواهان یک حکومت سکولار غیر دینی و غیر قومی میشوند. اما این مبارزه رهبری متمرکز و بابرنامه ای ندارد و به همین دلیل علیرغم تلاش های عظیمی که صورت میگیرد میتواند شکست بخورد. ممکن است حتی موفق به سرنگونی این حکومت شود اما از آنجا که فاقد رهبری روشن و با برنامه و مدعی کسب قدرت سیاسی است حتی در صورت سرنگونی حکومت عراق، حکومت به دار و دسته های دیگری سپرده میشود مثل مصر، تونس، سوریه و لیبی و مردم به خواست های خود نخواهند رسید. حزب سیاسی نماینده واقعی مردم، حیاتی ترین امر یک انقلاب و هر مبارزه ای است. یک رهبری روشن مردم را در امر سرنگونی نیز کمک زیادی میکند، مبارزات را تداوم میدهد، در پیچ و خم های مبارزه هدایت میکند، مردم را به خواست های روشنی مسلح میکند، اعتماد مردم را در دل مبارزه جلب میکند، طرف حساب دولت میشود، در رسانه ها بعنوان نماینده مردم ظاهر میشود و مردم را در سطح بین المللی هم نمایندگی میکند.

یک درس مهم سال ۸۸ در ایران نیز مساله رهبری بود. حزب کمونیست کارگری حضور داشت اما به نفوذ توده ای و سازماندهی در همین سطح نیاز داشت. بویژه بخش قابل توجهی از فعالین سیاسی که نبض حرکات را داشتند دستشان در دست حزب نبود. به همین دلیل جنبش انقلابی مردم بدون سر ماند. بطور روزمره هدایت نشد. و امروز شاهد این کمبود مهم در عراق هستیم. هم در عراق و هم در ایران باید حزبی را که نماینده واقعی مردم است، قاطع و سازش ناپذیر خواهان سرنگونی است، با هیچ جناحی از حکومت سازش نکرده و نمیکند و خواست های واقعی کارگران، زنان، جوانان و توده های عظیم مردم را نمایندگی میکند بسرعت توسط مردم و بویژه فعالین سیاسی، فعالین جنبش های اعتراضی آزادیخواهانه، فعالین کارگری و دانشجویان و جوانان سرنگونی طلب، فعالین جنبش رهایی زن، فعالین حقوق کودک و محیط زیست و غیره، انتخاب شود، در ابعاد وسیع مردم حول آن متحد شوند، عضوش شوند، همه جا حمایتش کنند، بعنوان نماینده خود تقویتش کنند، سازمانش را در هر کارخانه و مدرسه و دانشگاهی و در هر شهر و محله ای ایجاد کنند و آنرا طرف حساب خود در مقابل دولت قرار بدهند. اینجا بطور مشخص منظورم احزاب کمونیست کارگری در عراق و ایران است که بعنوان احزابی انقلابی و سرنگونی طلب، خواست های عمیق و ریشه ای مردم را نمایندگی میکنند. این برای پیشروی مردم حیاتی است. اینرا باید به یک گفتمان گستدرده در جامعه و بویژه در میان فعالین سیاسی تبدیل کرد.

بخش عظیمی از تبلیغات دولت، احزاب و رسانه های حاکم، ترساندن مردم از کمونیسم و از احزابی است که تغییرات بنیادی میخواهند. بخش عظیمی از تبلیغات آنها این است که بگویند تغییرات ریشه ای عملی نیست. که تخیل است. بخش عظیمی از تبلیغات آنها در کنار نیروهای سرکوبشان این است که مردم را از چنین احزابی دور کنند. بخش عظیمی از تلاش آنها این است که در قالب روشنفکر و روزنامه نگادر و حتی بعضا در قالب به ظاهر فعال یا روشنفگر چپ تئوری ببافند که حزب ضرورتی ندارد. اینها همه در هر شکل و قالبی که صورت گیرد برای حفظ وضع موجود و جلوگیری از روی آوری مردم به این احزاب و انقلاب و تغییرات بنیادی است. همه اینها را باید خنثی کرد و موثرترین راه خنثی کردن این تلاش های دشمنان مردم، روی آوری به این احزاب است.